

رویکردهای مرتبط با کودکان کار و خیابانی مرتبط با جامعه ایران؛ آسیب‌ها و راهکارها

نویسندگان:

عاطفه اعوانی^{۱*}، کاظم قهرمانلوالستی^۲، فاطمه زهرا ارباعه^۳

چکیده

یکی از معضلات امروز جامعه کودکان کار یا خیابانی هستند که متأسفانه به خاطر حل شدن مقطعی برخی از مشکلات کودکان کار توسط ارگان‌های دولتی و سازمان‌های مردم نهاد و عدم مشاهده عمق و شدت این موضوع تعداد کودکان کار روز به روز در حال افزایش است و در بسیاری از موارد به این دلیل که اغلب این کودکان هیچ گونه ثبت هویتی ندارند نمی‌توان آمار دقیقی از تعداد این کودکان ارائه داد. در این مقاله پی آن هستیم که در یابیم علی‌الاصول مهم‌ترین آسیب‌ها و اقدامات صورت گرفته در خصوص کودکان کار چیست؟ امروزه در نتیجه توسعه فضای مجازی مفهوم جدیدی از کودکان کار اینستاگرامی شکل گرفتند که این کودکان توسط والدینشان به کار گرفته می‌شوند تا از طریق به نمایش گذاشتن جنبه‌های مختلف زندگی‌شان سودآور باشند. به منظور حمایت از کودکان کار و برای جلوگیری از بزه کاری و بزه دیدگی این کودکان لازم است قوانین جدیدی با ضمانت اجرای قوی و کارآمد تصویب شوند. در ادامه مقاله راه کارهایی برای کمک به این کودکان و حل این بحران بیان شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رشته تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی

کلید واژه ها : اطفال، نوجوانان، آسیب‌ها، کودک آزادی

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - atefeh.avani@gmail.com
۲: دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - kazem7292@gmail.com
۳: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - zahra.arbae77@gmail.com

مقدمه

کار کودک پدیده‌ای جهانی است که انواع و اشکال مختلفی دارد، اما براساس تعریف سازمان جهانی، کار کودک به مجموعه‌ی فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که به سلامت جسم، روح، و روان کودک آسیب وارد می‌کند و حق آموزش و تحصیل را از او سلب می‌کند. برای مثال باعث محرومیت وی از رفتن به مدرسه، یا ترک تحصیل اجباری، یا التزام او به کار سنگین و طولانی هم‌زمان با تحصیل می‌شود. گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد حدود ۲۱۸ میلیون کودک در سراسر جهان به یکی از انواع کار مشغول‌اند برپایه‌ی اعلام سازمان جهانی کار، کشورهای جنوبی صحرای آفریقا بیشترین تعداد کودکان کار را به خود اختصاص داده‌اند و براساس آمار ارائه‌شده‌ی سال ۲۰۱۸ این سازمان، ۲۹ درصد از کودکان پنج تا هفده ساله در این منطقه کار می‌کنند که بیشتر آن‌ها نیز در بخش کارهای سخت و زیان‌آور مشغول هستند. این وضعیت در خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا متفاوت است و در این مناطق حدود ۵ درصد کودکان پنج تا هفده ساله به کارهای خطرناک مشغول‌اند، اما در کشورهای جنوب‌شرقی آسیا وضعیت کودکان کار نگران‌کننده اعلام شده است؛ در کشورهایی مانند هند و پاکستان بیشتر کودکان در قالب قراردادهای رعیتی به فروش می‌رسند یا دزدیده می‌شوند تا در مزارع، کارخانه‌ها، و کارگاه‌ها با شرایط کاری سخت استثمار شوند. آمار ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی کار برآوردی تقریبی از تعداد و جمعیت کودکان کار در جهان است، چراکه ارائه‌ی آمار دقیق کودکان کار، با توجه به اشکال متفاوت و این‌که در بسیاری موارد ماهیت پنهان دارد، تقریباً غیرممکن است. گسترش هم‌زمان فقر و جهانی‌شدن فعالیت‌های اقتصادی در جهان و فقیر شدن بخش‌های بزرگی از جمعیت و خانواده‌ها کودکان آن‌ها را وامی‌دارد تا برای بقای خود به هر فعالیتی روی آورند. به عبارتی، مجموعه‌ی عوامل مذکور باعث گسترش بخش اقتصاد غیررسمی شده است. به‌طور کلی در طول پنجاه سال گذشته، اقتصاد غیررسمی در مناطق مختلف جهان رشد کرده است.^۱

تلاش‌های گسترده‌ای برای تعریف اقتصاد غیررسمی شده است و از مفاهیم مختلفی برای اشاره به این بخش استفاده شده است، مفاهیمی مانند «اقتصاد سایه‌ای»، «اقتصاد موازی»، «اقتصاد زیرزمینی» و «اقتصاد غیررسمی».

نکته قابل‌ذکر آن است که اقتصاد غیررسمی با بخش اقتصاد غیرقانونی متفاوت است؛ در قوانین کشورها فعالیت‌هایی که در بخش اقتصاد غیرقانونی (مانند تولید و قاچاق مواد مخدر) انجام می‌شود جرم تلقی شده‌اند، اما فعالیت‌های بخش اقتصاد غیررسمی لزوماً جرم نیست و غیرقانونی محسوب

۱. <https://kameelahmady.com/fa/childrens-damage-in-iran>

نمی‌شود. اساساً اقتصاد غیررسمی شامل «تمام فعالیت‌های کسب درآمد است که از سوی دولت در محیط‌های اجتماعی تنظیم نشده است، درجایی که فعالیت‌های مشابه تنظیم می‌شوند.» به همین ترتیب در ایران نیز در یکی دو دهه گذشته اقتصاد غیررسمی رشد چشمگیری داشته است و به فقر و نابرابری عمیقی دامن زده است. با تغییرات اجتماعی گسترده و تغییر در اقتصاد معیشتی و گسترش بخش غیررسمی، هم‌زمان فقر، نابرابری، و استثمار مفرط فقرا تقویت می‌شود. افشار ضعیف‌تر از لحاظ جنس و سن، یعنی زنان و کودکان، بیشترین تعداد کارگران بخش اقتصاد غیررسمی را تشکیل می‌دهند. در این مقاله پی آن هستیم که در یابیم علی‌الاصول مهم‌ترین آسیب‌ها و اقدامات صورت گرفته در خصوص کودکان کار چیست؟ با روش اسنادی و کتابخانه‌ای بالسوبه به آن پاسخ داده خواهد شد.

۱- مفهوم کودک کار و موضوعات حول محور

در کنوانسیون حقوق کودک در ماده اول کودک به این شکل تعریف شده است کودک فردی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون دولت متبوع کودک سن بلوغ زودتر به او اعطا شود. (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۹) کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم به خدمت گرفته می‌شوند به طوری که آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند. بر اساس قرارداد شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار برای مشاغل مختلف حداقل سن را تعیین کرده که اگر کودکی سنش پایین‌تر از این سن است و مشغول به فعالیت در آن شغل باشد کودک کار در نظر گرفته می‌شود این سنین عبارتند از ۱۸ سال (برای مشاغل پرخطر مشاغلی که سلامتی جسمی روانی اخلاقی کودک را به خطر می‌اندازند) ۱۳ تا ۱۵ سال (برای مشاغل سبک مشاغلی که سلامت و امنیت کودک را تهدید نمی‌کند و کودک را از تحصیل باز می‌دارد. (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۵) تعریف سازمان ملل متحد از کودکان خیابانی چنین است: شامل هر دختر یا پسری است که خیابان را خانه و محل زندگی خود می‌داند و در نتیجه از او مراقبت نمی‌شود با وجود اقدامات و تلاش‌هایی که از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد بهزیستی و برخی نهادهای دولتی ذیربط برای مقابله با معضل کودکان کار صورت گرفته مشکل همچنان باقی است و در حقیقت نه تنها از تعداد کودکان کار کاسته نشده بلکه سالانه به شمار آنها افزوده شده است. کودکان کار فقط کودکان داخل خیابان نیستند و بسیاری از کودکان در خارج از خیابان‌ها از جمله مکان‌هایی که مجوز کار نداشته و مکان‌های غیر قانونی کار می‌کنند و در مقابل حقوق ناچیز دریافت می‌کنند که نه تنها کمک خرج خانواده نیست که حتی کفایت نیازهای اصلی زندگی را فراهم نمی‌کند. کودکان خیابانی به آن دسته از کودکانی گفته می‌شود که قربانی و طعمه معضلات اجتماعی همچون فقر اعتیاد طلاق و بدرفتاری خانواده شده‌اند و از

محیط خانواده رانده شدند و سرپناهمشان خیابان است و بیشتر در معرض خطرات اجتماعی هستند. تفاوت کودکان کار و خیابان در این است که کودکان کار بعد از اتمام کار روزمره خود سرپناه دارند. (شیشه گران، ۱۳۹۷، ص ۵) کودکان کار اینستاگرامی به پدیده نوظهور در فضای مجازی اشاره دارد که کودکان توسط والدینشان به خدمت گرفته می‌شوند تا از طریق به نمایش گذاشتن جنبه‌های مختلف زندگیشان سودآور باشند (۱؛ آقای، ۱۳۹۸) تعریف کودک امروزه همانند تعریف کودک که در اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ و کنوانسیون ۱۹۸۹ مطرح شده تغییر کرده است آنچه امروزه به طور خاموش در ایران تحت مفهوم کودک کار اینستاگرامی مطرح شده این بار در بین طبقات متوسط و بالا و توسط کنشگرانی امکان‌پذیر شده که مفهومی جدید از والدگری را رهبری کرده و به حقوق کودک اعتقاد داشته و اتفاقاً به شکلی به شدت فانتزی نگران آموزش مهارت آموزی سلامت پوشاک و خوراک و تفریح کودکان خود هستند و منابع مالی بسیاری را برای این موارد هزینه می‌کنند در این بین قانون محکمی که از این کودکان دفاع کند وجود ندارد چرا که کودکان کار اینستاگرامی هنوز در گفتمان حقوقی معنا نشده است. در عصر ارتباطات و اطلاعات و با ظهور اینترنت کودکان در بردگی جدیدی هستند از جمله بدن گفتار و حتی بیماری و غم و شادی آنان به سوژه کنجکاوای کاربران اینستاگرام بدل می‌شود. این کودکان به کار گرفته می‌شوند تا برای والدین خود هویتی جدیدی بسازند. فالوورهای این صفحات مانند جامعه‌ای توده‌ای مادران این کودکان را مرجع والدگری خود قرار داده و برای حل مشکلاتشان به این افراد رجوع می‌کنند و همین لحظه امکان سودآوری را از طریق نمایش کودکان امکان‌پذیر می‌کنند. (آقای، ۱۳۹۸، ص ۲۳) اگر بخواهیم با ادبیات دیگری بدین قضیه اشاره کنیم کودکان کار یا کودکان کارگر، به کودکانی گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند و این امر آنها را از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند. کودکان کار معمولاً در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این موضوع می‌تواند به واسطه فقر، مشکلات اقتصادی، فرهنگی یا توسط باند و مافیا به مدت طولانی و مستمر رخ دهد کار کودکان همچنان در زمان‌هایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد. این موضوع موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است و عوامل گوناگونی در آن اثر گذار هستند، از جمله ساختار خانواده، فقر، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست است.

۲- برخی آمارهای رسمی کودکان کار

آمارهای جهانی از سوی سازمان‌های بین‌المللی تعداد کودکان کار در جهان را بالغ بر ۲۵۰ میلیون کودک اعلام نمودند در ایران آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ ۴.۷۱ کودکان بین

۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند باید گفت بنا به غیرقانونی بودن کار کودکان و نیز اشتغال کودکان در کارهایی که جزء مشاغل تعریف شده نمی‌باشد این مسئله به طور پنهانی وجود داشته و رقم آمار را کمتر از آنچه هست نشان می‌دهد. کودکانی که در خیابان‌های پر ازدحام به فروش کالای گدایی می‌پردازند و یا در مناطق مرزی کشور به حمل کالای قاچاق مبادرت دارند و همچنین فعالان در کارهای کشاورزی و خانگی و کارگران مشغول به کار در کارگاه‌های غیرقانونی هرگز جز آمار ثبتی به حساب نمی‌آیند. (باقری، ۱۳۸۴، ص ۵) تعداد کودکان کار در ایران به دلایل مختلف به میزان قابل توجهی افزایش یافته است طبق بررسی‌های انجام شده در سال ۹۶ حدود ۴۹۹ هزار کودک شاغل فعال ۱۰ تا ۱۷ ساله در کشور وجود دارد که نسبت به دو سال قبل با افزایش ۹.۶ و شش درصدی روبرو بودند اما به دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچگونه ثبت هویتی ندارند آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد تعداد کودکان کار از این تعداد تخمین زده می‌شود. (سعد آبادی، ۱۴۰۰، ص ۴) در گذشته از کودکان در کارهای نامناسبی همچون کار کردن مخفیانه کودک در معدن زغال سنگ کارهای سیاهی همچون مواد مخدر انواع قاچاق و تن فروشی و بهره‌کشی استفاده می‌شده و استفاده از نیروی کار کودکان هموار امری معمول و متداول بوده است. با وقوع انقلاب صنعتی و استثمار ناجوانمردانه از طبقات کارگری مخصوصاً کودکان وجدان‌های خفته را به تکاپو واداشت تا برای حمایت از کودکان که تحت استثمار کارفرمایان به کارهایی که با روحيات جسمی و روانی آنها همخوانی نداشت به مقابله برخاسته و قواعد و مقرراتی را در جهت حمایت از کودکان وضع کنند. (مهردل ۱۴۰۰، ص ۴) نتایج مطالعات نمونه‌ای کودکان کار منطقه اسلام شهر چنین آمده است:

کودکان کار و فعالیت‌های آنها از سوی فرد یا افراد خاصی سازماندهی می‌شود. (مثلاً کالایی که توسط این کودکان در سراسر ایران اعم از مترو و خیابان و در هر شهری که به فروش می‌رسد فقط از یک برند یا مدل مشخص است)

فردی به عنوان پدر خوانده وجود دارد که نیازهای اساسی آنها را جهت ایجاد تعهد و وابستگی در کودکان تأمین می‌کند. (مثلاً در نمونه مورد مطالعه کودکان در فضای باز و بزرگی قرار داشتند که خوراک پوشاک و جای خواب و استراحت برای آنها تأمین می‌شد.

نظم و ترتیب در سیستم درآمدی آنها وجود دارد به این صورت که ۲۰ تا ۵۰ درصد درآمد هر فرد به خودش تعلق می‌گیرد. کودکان کار از درآمد بالایی برخوردار هستند و طبق مشاهدات بعد مادی زندگی به قدری برای این کودکان مهم بود که از هیچ کاری برای کسب درآمد بالاتر فروگذار نمی‌کردند به عنوان مثال قطع اعضای بدن برای گدایی به روش توان یاب یا فروش اعضای بدن (سعدآبادی، پیشین)

برابر برآورد سازمان جهانی «دفاع از حقوق بشر»، در حدود ۱۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان در خیابان کار و زندگی می‌کنند. آن‌ها برای زنده ماندن به کارهای گوناگون از جمله: گدایی، فروشندگی (سیگار، میوه، گل و روزنامه و ...) بزه‌کاری و تن‌فروشی مشغول هستند. بخشی از آن‌ها با خانواده‌هایشان ارتباط دارند و بخش دیگر یا از خانه فرار کرده‌اند و یا این که توسط خانواده به دلیل مشکلات مالی رها شده‌اند. این کودکان در پارک‌ها، خرابه‌ها و یا زیر پل‌ها می‌خوابند. تعداد زیادی از آن‌ها به مواد مخدر معتاد هستند و گاهی از موادی استفاده می‌کنند که به آن‌ها آسیب‌های مغزی ماندگار وارد می‌کند. برابر کنوانسیون جهانی حقوق کودک، تمامی کشورهایی که آن را امضا کرده‌اند، وظیفه دارند سلامت فیزیکی، روانی، اخلاقی و اجتماعی کودکان را تضمین کنند.^۱

براساس مصاحبه‌های انجام شده از مسئولین مربوطه ایرانی تعداد زیادی کارگاه زیرزمینی وجود دارد که نمی‌توان آمار دقیقی از وضعیت کار کودکان در آن کارگاه‌ها ارائه داد. در مورد اتباع بودن هم همینطور، نمی‌توان با قاطعیت چنین چیزی گفت. برخی از این کودکان شناسنامه و سند هویتی ندارند؛ بنابراین شما نمی‌توانید تشخیص بدهید و تفکیک کنید که کدام کودک اتباع و کدام کودک ایرانی است. آنها معتقدند: در رابطه با مسئله‌ی کودکان کار از نظر هنجاری، ساختاری، نهادی و در نهایت عملکردی دچار مشکل هستیم و برای حل این معضل نیاز به وحدت فرماندهی در حوزه‌ی حقوق کودک داریم. حقوق مربوط به کودکان با حقوق مربوط به بزرگسالان یکسان نیست. در حقوق بشر اصل بر آزادی و اراده‌ی بازبگر اصلی است اما در حوزه حقوق کودک قائل به حمایت از کودکان هستیم که این دیدگاه، خود را در تمام اجزای مختلف حقوق کودک نشان می‌دهد، از جمله در رابطه با کار. برای اینکه بفهمیم نسبت کودک و کار چیست باید بین کارهایی که کودکان انجام می‌دهند، تفکیک قائل شویم. سؤال این است که آیا هر کاری که کودک انجام می‌دهد ممنوع، محدود و ناپسند است؟ خیر؛ اتفاقاً در این گفتمان حمایتی، نه تنها برخی از کارها برای کودک بد نیست، بلکه توصیه می‌شود و مثبت است. به همین دلیل کنوانسیون حقوق کودک برخی از انواع آموزش‌ها را برای کودک لحاظ می‌کند که جنس آن آموزش کار است. برای تشخیص این مرز یک سری معیار داریم؛ یک دسته از کارها مطلقاً برای کودک ممنوع و محدود است اما در مقابل اگر کاری به رشد کودک آسیب نزند، متناسب با مصلحت عالی‌ه باشد و متناسب با ظرفیت‌های تکاملی کودک شخصیت او را شکل بدهد و در آن آموزش هم باشد، در زمره‌ی کارهای خوب برای کودک است. مثلاً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و یا کارگاه‌های مبتنی بر آموزش چگونگی ساخت زندگی آینده برای کودک، نه تنها بد نیستند بلکه همانطور که گفتیم مفید و در راستای رشد کودک است. چون هم در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک و هم اهداف آموزش در ماده ۲۷ و

۱. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3992/7679/96698>

۲۸ کنوانسیون، در مورد اینکه کودک باید برای زندگی مسئولانه در آینده آماده شود حرف زده است. پس اگر بناست در حوزه‌ی کار کودک اتفاقی بیفتد، اول به برنامه کلان نیاز داریم، باید بدانیم وضع موجود ما چیست و به کجا و چگونه می‌خواهیم برسیم؟ بعد نظام حقوقی و هنجاری را با توجه به این دورنما طراحی کنیم و ساختار مناسب برای اجرایی کردن آن ایجاد کنیم. در چنین وضعیتی سازمان بهزیستی اگر صد هزار برابر بودجه فعلی را هم بگیرد نمی‌تواند به نتیجه برسد. ۲۲ نهاد متولی در حوزه کودک کار در کشور وجود دارد اما همانطور که گفتیم به خاطر ضعف ساختاری و سیاست‌ورزی هر اقدامی در این حوزه انجام می‌دهیم، حاصل جمع عملکرد صفر می‌شود.^۱

با توجه به اهمیتی که این موضوع دارد باید به میزان و آمار این کودکان نیز توجه و اشاره نماییم. اما متأسفانه هیچ آمار دقیق و تأیید شده از طرف نهادهای کشور ارائه نشده است و تنها با چندین ارقام متناقض به تخمین آن دست زده‌اند. به گفته برخی از نهادهای رسمی تعداد این کودکان حدوداً به میزان ۲ میلیون نفر می‌رسد که به عنوان آمار رسمی شناخته می‌شود. اما در مقابل آن برخی از سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی وجود دارند که این آمار را بالاتر از ارقام رسمی می‌دانند و میزان آن را تا حدود ۷ میلیون کودک می‌دانند که نزدیک به ۴۰ درصد از آنان مهاجرین و غیرایرانیان هستند و این خود عاملی شده است این کودکان بیشتر از کودکان ایرانی مورد استثماری قرار گرفته شوند. اگر چه ایران در سال ۱۳۷۳ به پیمان‌نامه مربوط به کودکان کار پیوست اما در حوزه تبیین و تصویب قانون مناسب تاکنون اقدامی صورت نگرفته است و تنها به صورتی متفرقه در قانون کار کشور در دو ماده ۷۹ و ۸۴ آمده است که این مواد نیز متضمن ضمانت اجرا یا راهکاری که به نفع کودکان کار باشد نیست. در واقع این قانون بیشتر در رابطه با کار بزرگسالان است. در ماده ۷۹ کار کردن کودکان پایین‌تر از ۱۵ سال را منع کرده است و در ماده ۸۴ با توجه به اینکه شرایط کار می‌تواند به اوضاع روحی- روانی و جسمی کودک آسیب برساند سقف سن کار را تا ۱۸ سال بالا برده است. با وجود تمام نواقص قانونی می‌توان ماده ۸۴ را به نوعی قانونی پیشرو دانست که توانسته است شرایط روحی و روانی کودکان را مدنظر قرار بدهد. زیرا کودکان بیشترین شکل‌گیری شخصیتی و روانیشان در این سنین صورت می‌پذیرد. با این وجود ما در رابطه با کودکان کار هیچ نهاد قانونی و رسمی بر مبنای قانون خاص خود نداریم تا به مسائل بپردازد یکی از این عوارض نداشتن سطح آماری معتبر در کشور است. به همین دلیل است که بسیاری از فعالان کودکان کار بر این باورند که نزدیک به ۴۵ درصد از کودکان کار در معرض بیماری‌های عفونی همانند ایدز، هپاتیت، سفلیس و غیره هستند که با توجه به نوع تغذیه و محیط و روابط آنان دچار چنین بیماری‌هایی می‌شوند. که با توجه به نبود قانونی منضبط در این رابطه در هنگام بیماری آنها

بیشتر کودکانی که سرپرستی تحت عنوان پدر و مادر و قیم نیز ندارند در هنگام مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها دچار مشکل برای درمان خویش می‌شوند. فارغ از غفلت دولت‌مردان در ارتباط با اتخاذ تصمیمی در جهت تصویب قانونی مناسب برای کودکان کار، هیچ اقدامی را در راستای کاهش دادن این معضل انجام نمی‌دهند و درون برنامه‌های دولتی هیچ جایگاهی ندارد. اما با شروع کار دولت اخیر فرصتی مناسب برای نهادهایی مردی و حمایتی از جانب فعالین و مددکاران اجتماعی در جهت کمک به این کودکان، تأسیس شده است. بیشتر کار این نهادها با توجه به این واقعیت که از لحاظ مالی و محدوده مکانی و اختیارات اجرایی محدود هستند آنچنان نمی‌توانند در این زمینه به صورتی بنیادین آنگونه که نهادهای رسمی باید بر عهده بگیرند، اقدام به حل این معضلات بکنند. به همین خاطر بیشترین تلاشی که این نهادها انجام می‌دهند در زمینه‌های آموزشی در ابعاد مختلف چه کاری و چه بهداشتی به کودکان و سرپرستان آنها انجام می‌گیرد. اما واقعیت این است که تا بنیادهای مادی و مالی این معضلات به نوعی حل نشود آموزش توان بسیار زیادی را در حل این مشکلات را به همراه ندارد. سازمان بهزیستی کشور با مشاهده روند رو به افزایش تعداد کودکان خیابانی در سطح جامعه از سال ۱۳۷۸ اقدام به تهیه و اجرای طرح پذیرش، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی در سطح کشور کرده و از سال ۱۳۸۴ با تصویب آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۶ وظیفه ساماندهی این افراد و خانواده‌های آنها به صورت قانونی به سازمان بهزیستی محول شده است. همچنین سازمان بهزیستی با بررسی روند اجرای طرح فوق و ویژگی‌های کودکان پذیرش شده به این نتیجه رسیده است که نگهداری کوتاه مدت کودکان و ارائه خدمات به آنها در مدت نگهداری با توجه به جمعیت بالای ۸۰ درصدی کودکان دارای خانواده، کمک چندانی به مقابله با این پدیده نمی‌کند و لازم است اقدام مداخله‌ای خاصی در این خصوص صورت پذیرد. لذا این سازمان از سال جاری اقدام به راه‌اندازی رسمی مراکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده کرده است. نحوه ارائه خدمات در این مراکز به شرح زیر است: در ابتدای کار تیم تخصصی طبق یک برنامه مدون به اماکن پرتردد و عمومی مراجعت می‌کنند و به شناسایی کودکان خیابانی و خانواده‌شان می‌پردازند. سپس اطلاعات لازم را در زمینه چگونگی امکان بهره‌مندی کودک و خانواده وی از حمایت‌های این فعالیت به او انتقال می‌دهند. همچنین تلاش می‌کنند امکان ارائه برخی خدمات (آموزشی، بهداشتی، درمانی و...) را در محل حضور کودکان بدون الزام آنها برای مراجعه به مرکز بررسی نمایند و پیشنهادات لازم را به مسئول مرکز ارائه دهند.^۱

۳- آسیب‌ها و خطرات کودکان کار:

کودک کار در وهله نخست، زاده اقتصاد ناقص خانواده است. بسیاری از این کودکان، نان آور خانواده‌هایشان می‌باشند. اصولاً، یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کودک کار شدن بسیاری از این کودکان، مشکلات اقتصادی‌ای است که خانواده‌هایشان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند کودکان، مشکلات اقتصادی‌ای است که خانواده‌هایشان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. کودک کار به خاطر شرایط روحی و جسمی حساسی که دارند مثل ضعف جسمانی عدم آگاهی و نداشتن تجربه کافی باید حمایت شوند. کودکان کار بیشتر از سایر کودکان در معرض بزه کاری و بزه دیدگی هستند از جمله صدمات جسمی و روحی مثل کودک آزاری و ضرب و جرح، معناد کردن اطفال، خرید و فروش مواد توسط اطفال، سوء استفاده و آزار و اذیت و تجاوز جنسی، قاچاق انسان و خرید و فروش کودکان به منظور تکدی گری نمونه‌هایی از این آسیب‌ها هستند. (شیشه گران؛ ۱۳۹۷، ص ۱۱) با وجود اقدامات و تلاش‌هایی که از سوی سازمان‌های مردم نهاد بهزیستی و برخی نهادهای دولتی ذیربط برای مقابله با معضل کودکان کار صورت گرفته مشکل همچنان باقی است و در حقیقت نه تنها از تعداد کودکان کار کاسته نشده بلکه سالانه به شمار آنها افزوده شده است. می‌توان گفت شاید یکی از علل این موضوع حل شدن مقطعی برخی از مشکلات کودکان کار توسط ارگانهای دولتی و سازمانهای مردم نهاد در طرح‌های ضربتی و اقدامات پلیس به منظور جمع کردن این کودکان از سطح معابر شهر و اسکان آنها در مراکز نگهداری و عدم مشاهده عمق و شدت مسئله است این موضوع باعث پاک کردن صورت مسئله می‌شود و علاوه بر آن از اعتماد کودکان به مددجویان نیز کاسته می‌شود. افزایش کمک مالی به خانواده‌ها به طور مقطعی جوابگوی مشکل است و برنامه‌های انتقال نقدی به خانواده کودکان کار به تنهایی نمی‌تواند سیاست واکنشی کاملی در قبال کودک کار باشد بعد از مدتی کودک مجدداً مشغول به کار می‌شود. (سعدآبادی؛ پیشین، ص ۱۶) در صورت عدم مشکلات اقتصادی خانواده، بسیاری از این کودکان، به مانند سایر کودکان دیگر، به راحتی به زیست روزانه خود ادامه داده و از دوران کودکی‌شان لذت خواهند برد. اما به دلیل ضعف اقتصاد خانوار، این کودک کار است که به ناچار بایستی به کار بپردازد. بسیاری از والدین چنین کودکانی یا توانایی کار ندارند (از کار افتاده، اعتیاد و ...) یا پدر یا مادر فوت کرده‌اند یا اصولاً کودک کار، نبود هر دو را احساس می‌کند. علل اصلی را می‌توان در موارد ذیل دانست:

الف- در مواردی، نه پدر و نه مادر به دلیل ناتوانی جسمی یا روحی نمی‌توانند کار کنند.

ب- اعتیاد پدر یا مادر، مانع اشتغال به کار سرپرست کودک می‌شود.

ج- کودکانی هستند که در عین سلامت جسمی سرپرست آنان به دلیل درآمد ناچیز خانواده به اشتغال مشغول هستند.

در چنین شرایطی است که کودک خانواده بالاجبار و برای تهیه مایحتاج روزانه خانواده به کارهای سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد.

به عبارت دیگر، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی، کودکان کار را با چالش‌های اجتماعی متعددی مواجه خواهد کرد. فقر فرهنگی آن‌جا مؤثر است که، هستند خانواده‌هایی که اصولاً جایگاهی برای کسب دانش متصور نبوده و آن‌را مفید نمی‌دانند. فقر اقتصادی نیز، که علت اثرگذاری آن واضح و مبرهن است. پرداختن به کار و تلاش برای فراهم کردن مایحتاج اولیه زندگی، مستوجب آن می‌گردد که فکر کردن به تحصیل برای کودک کار، جزو آخرین دغدغه‌های ذهنی او به حساب آید. به واقع امر، زحمت روزانه اجازه پرداختن به کسب تحصیل را به بسیاری از این کودکان نمی‌دهد. اعتیاد نیز از جمله چالش‌های مهم دیگر است. این کودکان معمولاً در خیابان و محل زندگی‌شان با افراد متعددی در تماس‌اند و این تماس مکرر با افراد ناهنجار اجتماعی، احتمال گرفتار شدنشان به اعتیاد را فراهم می‌کند. از آن‌جا که محل زندگی این کودکان در موقعیت مکانی مناسب قرار ندارد، و این مکان‌ها خود از جمله مناطق آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند، اعتیاد (و انواع بزه اجتماعی) همواره در کمین این کودکان می‌باشد. از چالش‌های مهم دیگر اجتماعی، به وضعیت هویتی این کودکان بر می‌گردد. بخش قابل توجهی از این کودکان، یا از اتباع‌اند یا تنها مادرشان ایرانی است. این وضعیت موجب گردیده است که در موارد متعددی در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند (مانند پذیرش در مدارس، رد مرز شدن در صورت دستگیری توسط سازمان‌های مربوطه و ...). (منبع پیشین)

۴- مشکلات مربوط به حقوق کودکان کار و خیابانی

کودک کار به هر فردی گفته می‌شود که به صورت اجباری یا اختیاری به کارهای سخت یا سبک، جهت کسب درآمد اشتغال دارد. البته کودکانی هم در این بین بدون دستمزد، همانند یک برده به کار گرفته می‌شوند. درگیر بودن بچه‌ها به کار، آن‌ها را از فعالیت‌های دیگر مانند آموزش و امکانات اولیه‌ی رشد فردی و اجتماعی، تفریح، بازی و رؤیابردازی محروم می‌کند. این افراد آسیب‌پذیرند و احتمال منزوی شدن آن‌ها بسیار زیاد است. در اغلب موارد این افراد جدا از خانه و خانواده زندگی می‌کنند. به همین دلیل سازمان بین‌المللی کار به منظور جلوگیری از فعالیت‌های کاری افراد زیر سن قانونی، ۱۲ ژوئن را روز جهانی مبارزه با کار کودکان اعلام کرده است. در راستای تحقق این هدف باید تمامی ارگان‌های دولتی، کارفرمایان، سازمان‌های کار، جامعه‌ی مدنی و میلیون‌ها انسان در سراسر جهان با هم همکاری کنند. اما در ایران ناهمگونی قوانین کشور سن قانونی جوانان در کنوانسیون حقوق کودک و سن بلوغ در ایران با یکدیگر همخوانی ندارد و طبق قانون کار در ایران کار کودک زیر ۱۵ سال ممنوع است که متأسفانه در عمل حقوق کودکان از سوی سازمان‌های

ذیربط حمایت و پیگیری نمی‌شود. در خصوص ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هر نوع آزار و اذیت کودکان و نوجوانان که موجب شود به آن صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به خطر اندازد ممنوع است و لازم است سخت‌گیری‌های بیشتری نسبت به افرادی که کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال را به کار می‌گیرند انجام شود. پدیده کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. پژوهش حاضر پدیده کودکان کار و خیابانی را در پنج مرکز استانی تهران، مشهد، اهواز، شیراز، و رشت مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده‌ای مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آنها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زا بودن محلات حاشیه شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول، و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا پدیده کودکان خیابانی (که عمدتاً کودکان کار در خیابان هستند)، کماکان به‌عنوان مشکلی صعب‌العلاج در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور خودنمایی کند. (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷)

گسترش روز افزون کودکان کار در ایران یکی از مشکلات مهمی است که کشور ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند. متأسفانه اکثر این کودکان در شغل‌های کاذب فصلی، بزهکاری، تکدی‌گری و ... اشتغال دارند. براساس تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، وضعیت اقتصادی یکی از شایع‌ترین علل اشتغال کودکان به کار است. جنسیت در این مورد تمایزی ایجاد نمی‌کند. متأسفانه در اقوام کولی ایرانی، کار کردن کودکان به ویژه دختران یکی از سنت و رسوم زندگی آنها است. در حالی که مردان این قوم در سن جوانی خود را بازنشسته کرده و کسب درآمد به زنان و بچه‌ها محول می‌شود. علاوه بر مشکلات اقتصادی، عوامل دیگری از جمله اعتیاد والدین، هزینه‌های آموزش، آزار و اذیت کودکان توسط خانواده‌ها، طرد شدن از خانه، مرگ پدر یا مادر و طلاق والدین بر خیابانی شدن افراد مؤثرند. کار و زندگی در خیابان مشکلات زیادی برای کودکان کم سن ایجاد می‌کند. کارشناسان معتقدند که رشد جسمی، جنسی و روانی این کودکان با تأخیر مواجه می‌شود که پیامدهای منفی بسیاری را در پی دارد. از جمله مشکلات کودکان کار در ایران می‌توان به وضعیت تغذیه نامناسب، قرار گرفتن در معرض شرایط آب و هوایی نامطلوب، تصادف با ماشین، بیمار شدن و گرسنه ماندن اشاره کرد. والدین این افراد به دلیل وضعیت اقتصادی نامناسب، توانایی مراقبت‌های بهداشتی و درمانی کافی از فرزندانشان را ندارند. از این رو معمولاً واکسیناسیون آنها ناقص انجام شده و یا به طور کلی انجام نشده است. بعضی مشاغل نیز خطرات خاص خود را دارند. مثلاً تماس با مواد بیماری‌زای موجود در ضایعات از مشکلات کودکان کار زباله‌گرد است که موجب

بروز بیماری هپاتیت و ایدز می‌شود. یکی دیگر از نگرانی‌های مسئولین دزدیده شدن و آزارهای جسمی و جنسی است که در بین دختران و پسران کم‌سن مشترک است. علاوه بر مشکلات جسمی، این کودکان در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی نیز قرار می‌گیرند. توهین و رفتارهای تحقیرآمیز مردم با این افراد، احساس شرمندگی بعد از دیدن دوستان و آشنایان، ترس از برچسب خوردن در مورد روابط جنسی در دختران، کتک خوردن از مأموران شهرداری و مردم از جمله این موارد هستند. برخی مسئولان معتقدند گاهی اوقات کار در خیابان به فعالیت در کارگاه‌ها و زیر نظر کارفرما ارجحیت دارد. زیرا بچه‌ها در این محیط آزادی، توانایی و استقلال عمل بیشتری دارند. همچنین می‌توانند بخشی از درآمدشان را در اختیار بگیرند. اما در کارگاه‌ها شرایط برای کودکان بسیار سخت و طاقت‌فرسا است. احتمال آزارهای جنسی و جسمی در این محیط‌های کاری بسیار بیشتر از مکان‌ها و شغل‌های دیگر است. متأسفانه این برخوردهای نادرست باعث شده بسیاری از این کودکان فکر کنند، متولد شده‌اند تا کار کنند. عدم تأمین نیازهای مالی و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، عامل اصلی در پیدایش کودکان کار در ایران است. طبق تحقیقات انجام گرفته موارد دیگر مانند شرایط نامناسب زندگی، اعتیاد والدین^۱، خشونت و ... همگی ریشه در فقر دارند. در کل وجود بچه‌های کار نشانه‌ی عدم کارکرد صحیح جامعه^۲ است. به این منظور که بعضی بخش‌ها به درستی و با هماهنگی دیگر مراکز کار نمی‌کنند. این عدم تعادل موجب بروز آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از جمله افزایش تعداد کودکان کار می‌شود. بنابراین تمامی ارگان‌ها و مردم باید دست در دست هم دهند تا این قبیل مشکلات را برطرف کنند. طی برنامه‌ای از سوی سازمان بهداشت ماسک و اقلام بهداشتی به کودکان کار اهدا شد تا روند شیوع بیماری کاهش پیدا کند اما متأسفانه این کودکان و نوجوانان به فروش این اقلام پرداختند. در صورت مشاهده فروش ماسک توسط کودکان کار از آن‌ها خریداری نکنید زیرا علاوه بر نبود نظارت بر سطح بهداشت، اقلام بهداشتی برای مصرف شخصی در اختیارشان قرار گرفته است. (منابع، پیشین)

۵- قوانین داخلی و بین‌المللی در حیطة حمایت از کودک:

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و مفاد پیمان‌نامه در اسفند ۱۳۷۳ به تصویب مجلس رسید. در قانون اساسی ایران، طبق ماده‌ی ۷۹ قانون کار: " به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. همچنین کارفرمایی که این کودکان را استخدام کنند، مشمول مجازات خواهند بود." البته براساس ماده‌ی

۱. Parental Addiction

۲. Failure of Society to Function Properly

۱۸۸ قانون کار، ماده‌ی ۷۹ مشمول کارگاه‌های خانوادگی که کارفرما همسر و خویشاوند درجه یک است، نمی‌شود. افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال، کارگر نوجوان نامیده می‌شوند که ساعت کاری آن‌ها طبق ماده‌ی ۸۲ قانون کار، نیم ساعت کمتر از کارگران معمولی است. این قوانین و بسیاری دیگر برای حمایت از کودکان کار به تصویب رسیده است. رویکرد حق محور از جمله رویکردهایی است که توسط اسناد بین‌المللی نسبت به گروه‌های آسیب پذیر معرفی شده و نظریه تفسیری شماره ۲۱ کمیته حقوق کودک در سال ۲۰۱۷ میلادی نیز آن را معرفی کرده است. در این رویکرد، کودک در موقعیت خیابانی از حقوق خود به صورت عام و همچنین حقوقی به صورت خاص برخوردار و برای ایفای این حقوق با دولت و سازوکارهای مسوول همکاری و مشارکت مستقیم دارد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در قوانین و مقررات ایران به حقوق اولیه این دسته از کودکان از جمله حق حیات، حق بر سلامت در قالب قوانین ساماندهی توجه شده اما نسبت به آزادی اجتماعات و تشکیل گروه که مهم‌ترین حق با توجه به وضعیتشان است و همچنین مشارکت این دسته از کودکان برای تصمیم سازی می‌باشد در نحوه زندگیشان نگاه حقوقی وجود ندارد. برای اجرای رویکرد حق محور باید با توجه به وضعیت این دسته از کودکان اصل بقاء و رشد، بهترین منافع کودک و منع تبعیض که به عنوان مهم‌ترین اصول کنوانسیون حقوق کودک مورد اشاره قرار گرفته، رعایت شود و این در حالی است که در آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی بیشتر رویکرد حمایتی و نه حق محور مدنظر قرار گرفته و برای وارد کردن رویکرد حق محور، مطابق با نظریه تفسیری ۲۱ نیاز به بازبینی و اصلاح در این مقررات وجود دارد. (صفاری نیا: ۱۴۰۰، ص ۸۹)

پدیده کودکان خیابانی به عنوان یکی از مشکلات آسیب زای اجتماعی از دیرباز در سراسر جهان وجود داشته و در سالهای اخیر به دلایلی از جمله رشد اقتصادی، جنگ، فقدان ارزشهای سنتی، خشونت خانوادگی و آزار جسمی و روانی افزایش یافته است. یکی از آسیب‌های جدی که جوامع در حال توسعه از جمله جامعه ایران را تهدید می‌کند، گسترش روز افزون کودکان خیابانی است که به دلایل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و ... امرار معاش می‌کنند. این گونه کودکان اکثراً نیز تمایل به رفتارهای مجرمانه، خود تخریب گرایانه همچون مصرف مواد، بی بند و بازیهایی جنسی و نظایر آن دارند. فقر، ازهم پاشیدگی خانوادگی، بیماری و فوت والدین، کودک آزاری و مسامحه کاری یا ترک کردن خانواده و عدم رشد اجتماعی عوامل رایجی برای زندگی کودک در خیابان هستند. در این بین گرچه کمک رسانی به این آسیب دیدگان بیشتر به عهده سازمانهای دولتی و نهاد مردمی است ولی تکتک شهروندان نیز می‌توانند در حمایت از آنان نقش موثری داشته باشند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عواملی از جمله فقر، ناتوانی اقتصادی سرپرست خانواده، زندگی در محله‌های ناسالم، فقدان الگوهای تربیتی درست در خانواده و مدرسه، طلاق والدین، خشونت و بدرفتاری در

خانواده، عدم عاطفه و محبت والدین به فرزندان، اعتیاد والدین، بی سرپرستی، عدم نظارت از سوی دستگاه‌های مربوطه در بروز این پدیده مؤثر می‌باشند. (ماندگار، ۱۳۹۶) قانون‌گذاری ملی و به روزرسانی قوانین گذشته یک عنصر کلیدی در مبارزه علیه کار کودک است، به این دلیل که اصول، اهداف و اولویت‌ها را برای سیاست‌گذاری ملی مشخص می‌سازد و حقوق قانونی و مسئولیت‌ها را تعیین می‌کند. قانون‌گذاری ملی می‌تواند با تصویب مقرراتی علیه تخلفات از حقوق کودکان به منع بهره‌کشی اقتصادی از کودکان کمک بسزایی کند. زمانی که یک دولت می‌خواهد اقدامات قانونی را علیه کار کودکان اتخاذ کند، اولین گام بررسی قوانین موجود است. این بررسی نه تنها باید قوانین مربوط به کار بلکه قوانین جزایی، نظامی و قوانین مربوط به حمایت از حقوق کودکان را دربرگیرد. تصویب معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی جدید و مرتبط با کار کودک یکی از مهمترین مسئولیت‌های دولت‌ها در راستای قانون‌گذاری و مبارزه با کار کودک می‌باشد. مجلس قانون‌گذاری و اعضای آن در بیشتر کشورها دارای قدرت تصمیم‌گیری نهایی در خصوص تصویب اسناد بین‌المللی می‌باشند و در نتیجه بازیگران اصلی و کلیدی در فرایند قانون‌گذاری و حذف بدترین اشکال کار کودکان هستند و هنگام ملاحظه بودجه ملی، مجلس قانون‌گذاری می‌تواند تضمین نماید که سرمایه‌های کافی به فعالیت‌ها و مؤسسات عمومی که از اهمیت ویژه‌ای برای حذف بدترین اشکال کار کودک برخوردار می‌باشند، تخصیص داده شده است. نمونه‌ای از این بودجه‌ها، بودجه برای آموزش، بودجه برای سرویس‌های اجتماعی پایه برای کودکان و خانواده‌هایشان و بودجه برای آژانس‌های اجراکننده قانون نظیر نیروهای پلیس، بازرسی کار و سرویس‌های بازرسی مدارس می‌باشند. صیانت از مصالح عالی‌ه کودکان، مهم‌ترین مبنای حقوق کودک و ابدیت بخشیدن به حق دارا بودن از حق برای کودکان، توانمندسازی خانواده‌ها و زمینه‌سازی برای رشد مادی و معنوی آن‌ها از مهمترین اهداف خاص نظام‌های حقوقی می‌باشد. در متن کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ میلادی، به عنوان یکی از مهمترین و قابل قبول‌ترین اسناد حقوق بشری عصر حاضر، از واژه مصلحت استفاده شده است، در مواد ۳ و ۱۸ این پیمان نامه از واژه بهترین استفاده شده است، که در ترجمه می‌توان از آن به بهترین مصلحت‌ها یا مصالح عالی‌ه تعبیر کرد. (منابع، پیشین)

۶- چالش‌ها از نقطه نظر کاستلر:

از نظر کاستلر، نابرابری به کسب نابرابر ثروت از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف اشاره دارد. قطبی شدن فرایند خاص نابرابری است و زمانی رخ می‌دهد که در دو سوی طیف، توزیع درآمد یا ثروت سریع‌تر از بخش میانی این طیف رشد کند. بدین ترتیب میانه طیف توزیع ثروت کوچک‌شده و تفاوت‌های اجتماعی بین‌جمعیتی، که در دو سوی طیف قرار دارند، تشدید می‌شود. فقر معیاری است که تعریفی نهادینه دارد و به سطحی از منابع مربوط می‌شود که پایین‌تر از آن دسترسی به

استانداردهای زندگی، که حداقل زندگی معمولی در یک جامعه معین و زمان معین محسوب می‌شود، میسر نباشد. بینوایی به پدیده‌ای اشاره دارد که آمارگران اجتماعی «فقرمفرط» می‌نامند؛ یعنی پایین‌ترین سطح توزیع درآمدها - دارایی‌ها یا به گفته برخی کارشناسان، «محرومیّت» که مجموعه گسترده‌ای از محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. منظور کاستلز از استثمار مفرط مجموعه شرایط و ترتیبات کاری است که به سرمایه اجازه می‌دهد تا به‌طور منظم پرداخت - تخصیص را به تأخیر اندازد و یا نسبت به مقررات (رویه معمول در یک بازار کار رسمی معین و در زمان و مکان معین) شرایط خشن‌تری را بر گروه معینی از کارگران تحمیل کند. این واژه به نابرابری علیه مهاجران، اقلیت‌ها، زنان، جوانان، کودکان، یا دیگر گروه‌های کارگرانی اشاره دارد که مورد تبعیض قرار می‌گیرند و نهادهای ناظر آن را مجاز می‌شمارند و یا در آن باره رواداری نشان می‌دهند. یکی از روندهای معناداری که در این زمینه وجود دارد رواج مجدد کودکان کار در سرتاسر جهان و در شرایط استثمار مفرط، بی‌دفاعی، و سوءاستفاده است. کاستلز عامل دیگر در به‌کارگیری کودکان را بی‌دفاع بودن آنان می‌داند که همین امر باعث می‌شود کارفرما بتواند کمترین دستمزد و شرایط کاری ظالمانه‌ای بر آنان تحمیل کند. از آنجا که کودکان مهارت‌های منحصر به فردی ندارند و معمولاً چندان هم کم‌هزینه‌تر از بزرگسالان نیستند، به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل استخدام آنان مسائل غیراقتصادی است. در این خصوص دلایل غیرمالی متعددی وجود دارد، اما ظاهراً مهم‌ترین آن‌ها این مسئله است که کودکان از حقوق خود آگاهی کمتری دارند، کم‌دردسرتزند، دستورات را راحت‌تر اجرا می‌کنند، و بی‌هیچ شکایتی به کارهای یکنواخت می‌پردازند، قابل اعتمادترند، احتمال دزدی در میان آن‌ها کمتر است، و کمتر غیبت می‌کنند. در صنایع بخش غیررسمی، که کارگران به‌صورت غیررسمی و اتفاقی استخدام می‌شوند و در نتیجه هر روز به گروه کاملی از کارگران نیاز است، غیبت کمتر کارگران برای کارفرمایان بسیار ارزشمند است. ریشه‌های بهره‌کشی از کودکان را باید در سازوکارهایی جست‌وجو کرد که به فقر و حذف اجتماعی در سرتاسر جهان می‌انجامد. با گرفتار شدن کودکان در چنگال فقر و محروم ماندن کشورها، مناطق، و محله‌ها از مدارهای ثروت و قدرت و اطلاعات، فروپاشی ساختارهای خانواده آخرین سنگر دفاع از کودکان را درهم می‌شکند. در کشورهایی از جهان بینوایی در مناطق روستایی و نیز حلی آبادها شاهد چنین ساختاری هستیم که خانواده‌ها را از پا درمی‌آورد، به‌گونه‌ای که برای بقای خود یا کودکان را می‌فروشند یا آن‌ها را به خیابان می‌فرستند تا کمک‌حال خانواده‌هایشان باشند. کاستلز اشاره دارد که این شرایط سخت کاری با دستمزدهای کم برای کودکان و ساعات طولانی کار ریشه در عوامل مختلفی دارد: نخست آن‌که این امر از گسترش هم‌زمان فقر و جهانی‌شدن فعالیت‌های اقتصادی در جهان ناشی می‌شود. بحران اقتصادهای معیشتی و فقیر شدن بخش‌های بزرگی از جمعیت خانواده‌ها و کودکان آن‌ها را وامی‌دارد تا برای بقای خود به هر فعالیتی روی

بیاورند؛ در این شرایط، دیگر، مجالی برای تحصیل نیست، خانواده به نان‌آورانی هرچه بیشتر نیاز دارد و این نیاز کاملاً فوری است. خانواده‌ها از روی ناچاری فرزندان‌شان را به کار اجباری وامی‌دارند. مطالعات انجام‌شده تأثیر خانواده‌های پُرجمعیت بر کار کودکان را نشان می‌دهد؛ هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، تعداد کسانی که باید به‌جای مدرسه به خیابان‌ها فرستاده شوند نیز بیشتر می‌شود.^۱

از دیگر عناصر تحلیلی کاستلز مفهوم «حذف اجتماعی» است. حذف اجتماعی یک فرایند است، نه یک وضعیت. بنابراین مرزهای آن تغییر می‌کند و در زمان‌های مختلف بسته به تحصیلات، ویژگی‌های جمعیتی، تبعیض اجتماعی، رویه‌های کاری، و سیاست‌های عملی، یعنی چه افرادی در شمول اجتماعی قرار بگیرند و چه کسانی از آن حذف شوند، ممکن است تفاوت کند. علاوه بر آن، اگرچه نبود کار منظم به‌عنوان منبع درآمد درنهایت سازوکار اصلی حذف اجتماعی است، این‌که افراد و گروه‌ها چرا و چگونه برای تأمین نیازهای خود با دشواری عدم امکان و فرصت ساختاری - روبه‌رو می‌شوند به طیف گسترده‌ای از گونه‌های مختلف تنگدستی بستگی دارد. همچنین کاستلز معتقد است فرایند حذف اجتماعی در جامعه شبکه‌ای با مردم و سرزمین‌ها ارتباط دارد، به‌گونه‌ای که در برخی شرایط بعضی از کشورها، مناطق، شهرها، یا محله‌ها به‌کلی حذف می‌شوند و کل یا بیشتر جمعیت خود را نیز به این‌سو می‌کشانند. بنابراین تحولات نهادینی که در جریان تجدید ساختار اقتصاد جهانی در حوزه اقتصاد سیاسی جوامع امروزی رخ داده است باعث شکل‌گیری فرایند حذف اجتماعی شده است که بر روابط قدرت و استثمار مبتنی است و در سطوح میانی و خُرد برحسب متغیرهای اجتماعی، مانند جنسیت و سن، به‌گونه‌ای متفاوت عمل می‌کند، به‌نحوی که در اثر این فرایند، ضعیف‌ترین گروه‌ها به‌لحاظ سن و جنس دچار استثمار و حذف‌شدگی مضاعف می‌شوند که مصداق چنین امری کار کودکان و استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها در اشکال مختلف است. مطالعات کاستلز نشان می‌دهد پیوند ناقص و مناسبات اقتصادی نابرابر کشورهای جهان سوم و درحال‌توسعه با اقتصاد جهانی از طریق برنامه‌های تعدیل ساختاری تغییرات اجتماعی گسترده‌ای را در این جوامع به‌وجود آورده است که در بسیاری از این کشورها با ضعف دولت - ملت و به‌ویژه تضعیف و زوال تدریجی دولت رفاه، تغییر در اقتصاد معیشتی، و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد توأم بوده است. این تحولات نهادین در حوزه اقتصاد سیاسی به تقویت فقر، نابرابری، بینوایی، فردی شدن کار، استثمار مفرط فقرا، زنان و کودکان، حذف اجتماعی، و شکل‌گیری اقتصاد جنایی در این‌گونه جوامع منجر شده است. دگرگونی مناسبات خانواده‌های اقشار و طبقات پایین با اقتصاد سیاسی و نظام قشربندی اجتماعی الگوی اقتصاد خانواده و، به‌تبع آن، ساخت سنتی و

۱. <https://kameelahmady.com/fa/childrens-damage-in-iran>

الگوی روابط کارکردی خانواده‌های اقشار و طبقات پایین جامعه را دگرگون کرده است. همچنین زمینه‌های بیشتر کار زنان و کودکان در بخش اقتصاد غیررسمی و استثمار آن‌ها را فراهم آورده و باعث ظهور «جهان چهارم» در مقیاس جهانی، منطقه‌ای، و محله‌ای شده است. از نظر کاستلز، جامعه شبکه‌ای خود را می‌بلعد، زیرا چندان کودکان خود را تباه و نابود می‌کند که معنای تداوم حیات در بین نسل‌ها از بین می‌رود و بدین ترتیب آینده‌ای می‌سازد که در آن از شفقت نوع بشر خبری نیست که کاستلز از آن با عنوان سیاه‌چاله‌ها یاد می‌کند. کارکرد سیاه‌چاله‌های جهان چهارم این است که حاشیه‌رانده شده‌ها را در خود جذب می‌کند و در عین حال، به بازتولید حذف اجتماعی کمک می‌کند. این سیاه‌چاله‌ها، در عین حال که اغلب با یکدیگر ارتباط دارند، به لحاظ اجتماعی - فرهنگی هیچ ارتباطی با جریان اصلی جامعه ندارند. این مناطق به لحاظ اقتصادی با بازارهای خاص، مانند اقتصاد جنایی، و به لحاظ اداری با مراکزی مانند پلیس و تأمین اجتماعی، که برای مهار آن‌ها تأسیس شده‌اند، در ارتباط‌اند. جهان چهارم از دل سیاه‌چاله‌های متعدد حذف اجتماعی در سرتاسر جهان پدیدار شده است. جهان چهارم مناطق وسیعی از کره زمین، مانند کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا و مناطق فقرزده آمریکای لاتین و آسیا را شامل می‌شود، اما این جهان را تقریباً در هر کشور و در هر شهری در این جغرافیای حذف اجتماعی نیز می‌توان دید. این جهان از محله‌های فقیرنشین شهرهای آمریکا، برون‌بومی‌های اسپانیایی، یا انبوهی از جوانان بیکار حومه‌های فرانسوی در شمال آفریقا، محله‌های بوسیای ژاپن، و زاغه‌های ابرشهرهای آسیا تشکیل می‌شود. ساکنان جهان چهارم را میلیون‌ها بی‌خانمان، زندانی، بزهکار، روسپی، بدنام، بیمار، و بی‌سواد تشکیل می‌دهند. (منبع، پیشین)

نتیجه گیری:

در کنوانسیون حقوق کودک در ماده اول کودک به این شکل تعریف شده است کودک فردی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون دولت متبوع کودک سن بلوغ زودتر به او اعطا شود. کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم به خدمت گرفته می‌شوند به طوری که آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند. بر اساس قرارداد شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار برای مشاغل مختلف حداقل سن را تعیین کرده که اگر کودکی سنش پایین‌تر از این سن است و مشغول به فعالیت در آن شغل باشد کودک کار در نظر گرفته می‌شود این سنین عبارتند از ۱۸ سال (برای مشاغل پرخطر مشاغلی که سلامتی جسمی روانی اخلاقی کودک را به خطر می‌اندازند) ۱۳ تا ۱۵ سال (برای مشاغل سبک مشاغلی که سلامت و امنیت کودک را تهدید نمی‌کند و کودک را از تحصیل باز می‌دارد. (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۵) تعریف سازمان ملل متحد از کودکان خیابانی چنین

است: شامل هر دختر یا پسری است که خیابان را خانه و محل زندگی خود می‌داند و در نتیجه از او مراقبت نمی‌شود با وجود اقدامات و تلاش‌هایی که از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد بهزیستی و برخی نهادهای دولتی ذیربط برای مقابله با معضل کودکان کار صورت گرفته مشکل همچنان باقی است و در حقیقت نه تنها از تعداد کودکان کار کاسته نشده بلکه سالانه به شمار آنها افزوده شده است. کار کودک پدیده‌ای جهانی است که انواع و اشکال مختلفی دارد، اما براساس تعریف سازمان جهانی، کار کودک به مجموعه‌ای فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که به سلامت جسم، روح، و روان کودک آسیب وارد می‌کند و حق آموزش و تحصیل را از او سلب می‌کند. برای مثال باعث محرومیت وی از رفتن به مدرسه، یا ترک تحصیل اجباری، یا التزام او به کار سنگین و طولانی هم‌زمان با تحصیل می‌شود. گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد حدود ۲۱۸ میلیون کودک در سراسر جهان به یکی از انواع کار مشغول‌اند. می‌توان گفت از هر ۱۰ کودک در دنیا نفر کودک کار وجود دارد. پیشنهاد می‌گردد با به روز رسانی قوانین و حمایت‌های قانونی و مادی و معنوی علی‌الخصوص اقتصادی و حمایتی مشکلات این کودکان می‌بایست مدیریت و به حداقل برسد اگر چنین نباشد آسیب‌های آن هنوز جدی‌تر از گذشته خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ:

- ماندگار، سهراب، (۱۳۹۶)، بررسی جنبه حقوقی وضعیت کودکان کار، خیابانی و دستفروش و بی سرپرست، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره: ۳، شماره: ۲ دسترسی:
 - <https://civilica.com/doc/۷۲۱۱۳۰>
 - حسینی حسن (۱۳۸۴)، وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران؛ فصلنامه علمی رفاه اجتماعی؛ ۵ (۱۹).
 - صفاری نیا، مهزاد. (۱۴۰۰). تطبیق رویکرد حق محور، نسبت به کودکان در موقعیت خیابانی با قوانین ایران. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۳ (۱۰).
- سایت‌ها:

<https://kameelahmady.com/fa/childrens-damage-in-iran>

<https://sooreisrafil.com/print?id>

<http://www.ensafnews.com/۴۱۸۵۶۲>

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۳۹۹۲/۷۶۷۹/۹۶۶۹۸>